



چگونگی تصویرسازی در الگوی روایت گری قصه در قرآن کریم

پدیدآورنده (ها) : فتاحی ثانی سبزواری، الهام؛ پور رضائیان، مهدی

هنر و معماری :: نشریه نگره :: بهار ۱۳۸۸ - شماره ۱۰ (ISC)

صفحات : از ۵ تا ۱۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1378880>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- روش شناسی قصه در قرآن
- دفاع از اصالت ادعیه ی اهل بیت علیهم السلام: مطالعه ی موردی دعای عرفه
- اختلاف رویکرد تأویلی نزد صوفیه و اسماعیلیه
- روش ابن بابویه در نقد حدیث (بررسی مهم ترین شاخصه های رویکرد نقادانه شیخ صدوق به حدیث)
- روشی برای بازسازی کتاب المزار سعد بن عبدالله اشعری
- بررسی سند و متن حدیث «لولاک لما خقلت الافلاک»
- تفسیر تطبیقی دابة الارض در آیه ۸۲ نمل و ارتباط آن با رجعت
- تفسیر تطبیقی آیه «لایمسه الا المطهرون»
- فلسفه تکرار موضوعات مختلف در متن قرآن
- بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای جایگاه کتب امالی در تاریخ نگاری مقتل
- تاریخ انگاره ذکر در فرهنگ اسلامی
- فلسفه نقاشی ایرانی/ از سنت تا سنت گرایی

عناوین مشابه

- قصه الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم (بازخوانی سوره ی مبارکه یوسف به عنوان بهترین روش تاریخ گویی)
- ریخت‌شناسی روایت جنگ بدر در قرآن کریم بر اساس الگوی ولادمیر پراپ
- بررسی چگونگی کارآمدی مولفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی
- رهیافتی به الگوی تربیت فکر در قرآن کریم
- الگوی مبانی علم‌شناسی در علوم انسانی با معرفت‌بخشی از قرآن کریم
- الگوی نظری عبرت‌پذیری در قرآن کریم
- الگوی بهره‌وری فرماندهان در عرصه جهاد از دیدگاه قرآن کریم
- مطالعه تطبیقی پیرنگ انشعابی در سینما و قصه های قرآن کریم
- چگونگی تحقق معجزه عصای حضرت موسی(ع) در قرآن کریم (مطالعه موردی دو دیدگاه متفاوت)
- تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی «قدرت»؛ تلاشی برای فهم الگوی «قدرت نرم» در قرآن کریم



چگونگی تصویرسازی در الگوی روایت‌گری قصه در قرآن کریم

الهام فتاحی ثانی سبزوار * دکتر مهدی پوررضائیان **

چکیده

قصه که در صدر اسلام، چیزی جز نقل وقایع یا اساطیر نبود با نزول قرآن کریم از جایگاه والایی برخوردار شد و همواره در این کتاب آسمانی به عنوان یکی از ابزار هدایت تلقی گردید. قصه‌ها در قرآن علاوه بر پی‌گیری هدف‌های عام داستان‌نویسی، اهداف متعالی دیگری نیز از قبیل پندآموزی از سرنوشت غیر خیالی گذشتگان، تشویق به تفکر، تبیین روش‌های دعوت انبیا و کسب معرفت در باره خداوند را نیز دنبال می‌کنند. یکی از گام‌های ارزشمند در فهم قصه‌های قرآن کریم، آشنایی با الگوی روایت‌گری آن‌هاست. تصویرسازی از ابزار مکمل در روایت‌گری قصه‌ها در قرآنست که در پژوهش‌های پیشین، به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. روش تحقیق برای انجام این پژوهش، توصیفی بوده و با استفاده از منابع موجود و یافته‌های مطالعات قرآن‌پژوهان، رنگ تحلیلی به خود گرفت. برای انجام پژوهش، هفت قصه از قصه‌های قرآن که در آن‌ها تصویرسازی در کنار روایت‌گری نمود بیش‌تری داشت انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد قرآن ضمن کنار گذاردن خیال‌سازی و افسانه‌گرایی که در قصه‌گویی رایج، یک هنجار محسوب شده و می‌شود با رویکردی واقع‌نمایانه به رویدادها نگرسته و مقاصد کمال یافته خود را در قالب قصه‌هایی راهنما همراه با تصویرهایی حیات‌بخش و باشکوه بیان نموده است.

واژگان کلیدی

تصویرسازی، قصه، قصه‌های قرآن کریم.

Email: asadi_syavash@yahoo.com

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه شاهد

Email: pourrezaian@shahed.ir

** استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد



تصویر ۱- پیامبر اکرم (ص) در بهشت، دو صفحه‌ای مقابل هم، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets

مقدمه

نزدیک به یک چهارم از کل قرآن کریم به روایت قصه‌ها اختصاص دارد. این قصه‌ها اهداف ارزشمندی از قبیل پند آموزی از عاقبت گذشتگان، آرام‌سازی قلب پیامبر(ص) و تثبیت رسالت او، دعوت به اندیشیدن، طرح و شرح روش‌های دعوت پیامبران پیشین، بیان وحدت ادیان الهی، آموزش روش‌های زندگی و نیز خداشناسی را دنبال می‌کنند. بدیهی است قرآن کریم، از یک نگاه، دعوتنامه‌ای ممتازست و در آن، قصه، یکی از وسایل ابلاغ است. قصه‌های قرآن فقط به منظور اطلاع‌یابی از احوال پیشینیان یا انبیای گذشته بدون اهداف پرورشی فردی یا اجتماعی نیست. قرآن کریم همواره از دو روش استدلالی برای تربیت انسان‌ها استفاده می‌کند. یکی روش سیر در محیط و طبیعت پیرامون و دیگر استفاده از تاریخ که در قالب قصه‌ها گنجانده شده است. برای انجام تحقیق حاضر ابتدا تمامی قصه‌های قرآن (جامعه آماری) از میان سوره‌ها و لایه لای آیات شریفه، استخراج و پس از آن، هفت قصه (گروه نمونه) از آن‌ها به طور تصادفی، انتخاب و تحلیل شد.

بررسی ساختاری قصه‌ها با تاکید بر جنبه تصویرسازی آن‌ها گام بعدی پژوهش بود با این هدف که الگوی روایت‌گری قصه‌ها، کشف و تبیین شود. هرچند در سال‌های اخیر

برخی از پژوهش‌گران به ساختمان هنری قصه‌های قرآن کریم پرداخته‌اند اما توجه محققان به الگوی روایت‌گری قصه‌های قرآن کریم کمیاب است.

منتخب ادبیات پژوهش

سیدقطب (۱۳۵۹) به داستان‌های قرآن از منظری هنری توجه کرده است. وی همواره می‌کوشد تا در کتاب خدا ویژگی‌هایی را بیابد که با آثار ادبی عرب، تفاوت و برتری‌های محسوس داشته باشد. به عقیده او، قرآن کریم به معقولات جامه محسوسات پوشانده تا ظریف‌ترین حالات روانی آدمی به تصویر کشیده شود.

وی معتقد است که لفظ و معنی از یکدیگر جدا نیستند و به لحاظ همین آمیختگی است که تصویرهای هنری به وجود آمده، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب می‌گذارد. او نام این شیوه را صورت‌نگاری هنری می‌گذارد که از طریق تجسم‌بخشی حاصل می‌گردد.

خلیل پروینی (۱۳۷۹) در کتاب «تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن» اشاره‌ای به این موضوع داشته اما در هیچ‌یک از آثار موجود به تصویرسازی قصه‌های قرآن کریم به عنوان یکی از الگوهای روایت‌گری این قصه‌ها پرداخته نشده است.

الگوی روایت گری قصه

الگو در لغت، به معنای نمونه است ولی الگوی روایت گری قصه معنای دیگری دارد. ریمون کنان (۱۳۸۷) روایت گری را کنش یا فرایند خلق اثر دانسته معتقد است که واژه روایت گری اشاره دارد: به فرایند ارتباط که در آن فرستنده، روایت را در قالب پیام ارسال می‌کند و نیز به ماهیت کلامی رسانه‌ای که پیام را انتقال می‌دهد.

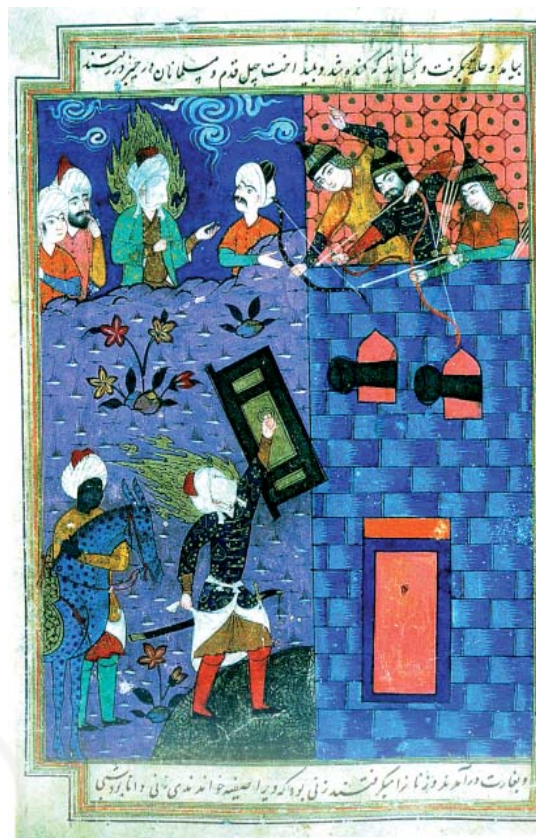
طبق نظر براهنی (۱۳۶۲) می‌توان چنین استنباط کرد که الگوی روایت گری قصه، بسیج‌کننده تمام عناصر و ابعاد قصه برای ایجاد یکپارچگی است. عاملی که در سطحی وسیع، یعنی در کل یک قصه از ابتدا تا انتها، با بازی تعاملی عناصر در برابر ابعاد، به قصه، توازن و تعادل کامل می‌بخشد. در واقع الگو، یک بُعد پنجم است. بُعدی که بین چهار بُعد قبلی (زمان، مکان، زبان و علت) تناسبی جامع برقرار می‌کند.

تصویرسازی در قصه

دکتر معین (۱۳۸۲) تصویر را نقش کردن یا صورت چیزی را کشیدن می‌داند و انصاف‌پور (۱۳۷۷) تصویر را به معنی صورت‌سازی یا چهره‌نگاری دانسته است. داد (۱۳۸۲) در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» می‌نویسد در مباحث ادبی، تصویر به مجموعه‌ای از تصرفات بیانی و مجازی اطلاق می‌شود که گوینده با کلمات تصویر می‌کند تا نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود آورد. او در جای دیگری (۱۳۷۱) بر این باور است که تصویرگری کوششی است که ذهن خلاق شاعر می‌ذول می‌دارد تا میان اجزای طبیعت پیوندی بدیع بیافریند. یعنی شاعر آن‌چه را دیگران با هوش خود دریافت می‌کنند از پیرامون خویش برمی‌گیرد و بعد آن‌ها را طایف فعل و انفعالاتی روانی بازسازی و بازآفرینی می‌کند. این روند به واسطه تصرفات بیانی گوناگونی مانند تشبیه، استعاره، مجاز، نماد و کاربرد صفات انجام می‌شود و عبارت است از تصویرکردن پدیده‌ای بیرونی در ترکیب با تصویری کاملاً شخصی و ذهنی. این عمل، تصویرگری و حاصل این ترکیب، خیال و تصویر شاعرانه است.

قصه‌های قرآن

اگرچه به جای واژه قصه لفظ قصص در قرآن آمده ولی هر دو از ماده واحد هستند و در منابع اصیل لغوی همچون لسان‌العرب، تاج‌العروس و قاموس قرآن به این موضوع اشاره شده که گاهی قصه و قصص یک معنا دارند. قصص در نگاه قرآن عبارت است از بیان ماجراهای گذشتگان برای عبرت گرفتن و بیان پی گیرانه یک حقیقت تاریخی از زوایای گوناگون با هدف شکوفایی انسان. قرآن درصدد بیان یک ماجرا به تمامی نیست و از این رو در نقل قصه، ماجرای محوری داستان، به طور پیوسته گزارش نشده بلکه بخش‌هایی از ماجرا برگزیده می‌شود. به گفته



تصویر ۲- پیامبر اکرم (ص) و جنگ خیبر و گشودن در قلعه خیبر توسط حضرت علی (ع)، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets

بحث و بررسی

واژه قصه، از واژگانی است که همواره مورد بحث و کشمکش ادیبان بوده است. شاید بتوان گفت تا امروز نیز، اتفاق نظر کلی در معنای واژگانی، اصطلاحی یا قراردادی آن حاصل نگردیده و تعریف جامعی که همگان بر آن توافق کنند، ارائه نشده است.

دلیل این امر را می‌توان تصور مستمر گونه‌ای از ادبیات دانست که در عصر حاضر، ادبیات داستانی نام گرفته است. قصه در لغت به معنی خبر دادن یا تتبع و دنبال کردن چیزی به صورت گام به گام است. صاحب کتاب التحقیق (۱۳۷۴) بر این باور است که معنای اصطلاحی قصه هم بر گرفته از معنای لغوی آن است. همگان ماده قصص را عربی دانسته و هیچ کس اشاره‌ای به غیر عربی بودن آن ندارد پس باید معنی اصیل آن را در خزانه لغات عربی جست و جو کرد. قصه بر وزن فعله است که ابن‌منظور (۱۹۸۸) در لسان‌العرب آن را خبر، حدیث، بخشی از کلام یا هر آنچه که نوشته شود، تعریف می‌کند.

همین محقق در تاج‌العروس (۱۹۸۸) خود، نیز معنای قصه را داستان نوشته شده، می‌داند.



تصویر ۴- هابیل (ع) وقابیل، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets



تصویر ۳- حضرت آدم (ع) وحواء(س)، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets

به طور حتم به هر پژوهشگری این فرصت را می دهد که از پنجره ای خاص به بررسی آن ها بنشیند. اما آن چه در مرحله نخست توجه مخاطب را به خود جلب می کند شیوه های روایت گری و نقل قصه هاست. شیوه نقل قصه در قرآن بر اساس نظر پروینی (۱۳۷۹) ارائه دهنده تصویری کاملاً واقعی و صادق از حوادث مؤثری است که خداوند آن ها را با تصویرهایی پویا دوباره احیا کرده است. به این ترتیب به نظر می رسد شرایط نقل قصه های قرآن، تحت تأثیر اهداف تربیتی و هدایتی است.

قصه های قرآن برخلاف بسیاری از قصه های ادبی که در آن ها غیر واقعی گری یا پندار آفرینی نقش به سزایی دارد و هر چه این گونه عناصر نفوذ بیشتری در بافت قصه داشته باشند تأثیر داستان ها به گفته منتقدین بیش تر است نه تنها بر وقایع مستند تأکید و تطبیق دارند بلکه این وقایع مهم ترین و حساس ترین وقایع تاریخی انسان ها هستند. البته این بدان معنا نیست که قرآن، زیبایی یا هنر را فدای واقعیت کرده است. قرآن کریم اوج هنر خویش را در قصه هایش وانموده و طبق نظر بستانی (۱۳۷۱) صرف روایت کردن حوادث مستند، در قصص قرآنی نیست که خوانندگان را تحت تأثیر قرار می دهد بلکه به خدمت گرفتن یک بیان هنری اعجاز آور در داستان نویسی قرآن، نقش اصلی را در این میان بازی می کند. این حوادث باید

اشرفی (۱۳۸۲) از این جاست که قرآن کریم، بهترین شیوه داستان سرایی را در بُعد هدایتی ارائه می دهد. به این ترتیب یک قصه قرآنی را می توان داستانی از روایت و نقل حوادث واقعی دانست که از روی علم، با هدف و پیامی مشخص پی گیری می شوند.

ادبیات هنری قرآن بر خلاف فرهنگ و ادبیات اساطیری، خیال بافی و افسانه گرایی را کنار گذاشته و با رویکردی واقع نمایانه، اهداف انسان ساز خود را در قالب تصویرهایی زنده و باورپذیر ارائه کرده است. قصه شناسی قرآن اکنون یکی از علوم قرآنی و شاید دلچسب ترین آن هاست چرا که قرآن به شایستگی از این ابزار برای ابلاغ پیام و اتمام حجت استفاده کرده است.

برای شناخت قصه های قرآن باید به معیارها و حدودی که هر قصه را به وجود آورده اند توجه کرد. معیارهایی مانند:

۱. تکیه بر نقل وقایع گذشته از دیرباز تا عصر نزول وحی.
 ۲. مستند یا صادق بودن محتوا.
 ۳. در برداشتن پیام مشخص برای تحریک گیرنده های دستگاه شناخت مخاطب.
 ۴. دوری از افسانه ها و اساطیر دور از باور یا داستان های موهوم.
- قصه های قرآن کریم، عموماً متونی چند لایه دارند که

همگام با نقل رویدادها به تصویرگری می‌پردازند تا به‌طور شگفت‌انگیزی در ذهن مخاطب ایجاد تصاویر متنوع کنند. در ابتدای امر چنین به نظر می‌رسد که حدوث حوادث شنیدنی و متنوعی که در قصه‌های قرآن جاری است سبب خلق چنین تصاویر شگفت‌انگیز یا اقتضا کننده آن‌هاست ولی چنین نیست زیرا حوادث معمول و طبیعی نیز به همین صورت توصیف می‌شوند. باید پذیرفت روایت گری خاص قرآن سبب اصلی مواجهه عینی مخاطب با کلیت واحد داستان و پس از آن انبوه جزئیات مرتبط است. این همراهی نقل و وصف، باعث شکل‌گیری تصاویر متنوع از رویدادهای قصه در ذهن خواننده است. تصاویر روایت شده ایجاد فضا می‌کنند و فضا از بطن خود، معانی را نمایان می‌سازد.

الگوی روایت‌گری قصه‌های قرآن به‌گونه‌ای است که گویی ماجرا و رویداد، هم‌اکنون در حال وقوع است و راوی به‌طور مستقیم با مخاطب رو به روست. این امر سبب تصویرسازی هم‌زمان در ذهن مخاطب است به‌طوری‌که تصاویری عمیق از آن رویدادها در ذهن، نقش بسته و از آن پس این قدرت نفوذ کلام خداست که ماندگاری تصاویر را میسر می‌سازد.

برای روشن شدن بیش‌تر مطلب، نمونه‌هایی از تصویرسازی‌های قرآن ارائه می‌شود. این نمونه‌ها همه از قرآن ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۹) گرفته شده است. در قصه آفرینش حضرت آدم (ع)، در آیه ۳۴ سوره بقره می‌خوانیم:

«و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد، همه به سجده درافتادند»

حادثه سجده فرشتگان بر آدم و سر باز زدن ابلیس از این امر، در این جا به‌گونه‌ای روایت شده که با وجود کوتاه بودن آیه و مختصر بودن توصیفات کلامی، تابلویی پر تصویر در ذهن نقش می‌بندد. این قسمت از داستان حضرت آدم (ع) در آیات سوره‌های مختلفی نقل شده است ولی این آیه که اولین آیه از قصه است و به نوعی دارای تصویرسازی‌های قوی‌تری است باعث می‌شود در بخش‌های دیگری هم که این رویداد روایت می‌گردد همین تصویر اولیه بر لوح ذهن نقش بندد و جایگزین روایت‌های بعدی شود.

نمونه دیگر آیه ۷۶ از سوره قصص است که قصه قارون را روایت می‌کند.

«قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن‌ها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد، آن گاه که قوم وی بدو گفتند: شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

در این آیه، از گنجینه‌های گرانبهار قارون یاد شده و این که حمل فقط کلیدهای آن‌ها هم برای افراد نیرومند دشوار بوده است. در مواجهه با این جمله تصور خواننده



تصویر ۵- حضرت موسی (ع) و به زمین فرو رفتن قارون، قصص الانبیاء، مأخذ : Stories of the Prophets

دربرگیرنده وقایعی هیجان‌آفرین، شگفت‌انگیز و حیرت‌آور نیز باشد و این موضوعی است که به ندرت تحقق می‌یابد و زبان هنری خاصی را می‌طلبد که از میان حوادث، قهرمان‌ها، موقعیت‌ها و محیط‌ها عناصر معینی را برگزیند یا به عبارت بهتر برخی از جنبه‌هایی را که در روشن کردن هدف فکری داستان به‌کار گرفته شده، انتخاب کند. داستان‌های قرآن ساخته و پرداخته عناصر مجهول یا مجعول نیست، بلکه به واقعیت‌های تاریخی معینی در گزینش رخدادها، شخصیت‌ها و محیط‌های مناسبی پرداخته است و به جای آفرینش تخیل مدار، سحر بیان، زبان جذاب و محکم، بیان هنری صحنه‌ها و گزینش درست واژه‌ها و سرانجام تقدیم تصویرهای زنده است که در طول تاریخ، فصحا و بلغای عرب و غیرعرب را به تعظیم در مقابل داستان‌های قرآن واداشته است.

چه خوب گفته ملبوبی (۱۳۷۶) که در داستان‌های قرآن، واقعیت به سادگی گزارش نمی‌شود بلکه به تماشا گذاشته می‌شود. دقیق‌تر آن که هر داستان، تماشای تکوین واقعیت در ذهن است.

تصویرسازی در الگوی روایت‌گری قصه‌های قرآن
یکی از ویژگی‌های الگوی روایت‌گری قصه‌ها در قرآن شیوه بیان توصیفات در قصه‌هاست. این توصیفات روایی،



تصویر ۷- ذبح اسماعیل (ع) ، قصص الانبیاء ، مأخذ : Stories of the Prophets

میوه‌هایش را فروگرفت. پس برای از کف دادن آن‌چه در آن باغ هزینه کرده بود، دست‌هایش را بر هم می‌زد در حالی‌که داریست‌های آن فرو ریخته بود و به حسرت می‌گفت ای کاش هیچ‌کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم».

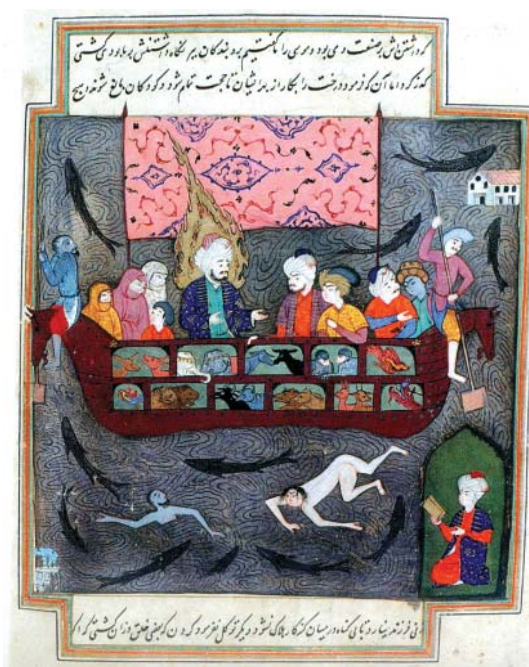
نابودی باغ که با فرو ریختن داریست‌ها در آیه ۴۲ توصیف شده تابلویی دیگر از همان باغ پس از ویرانی را به نمایش می‌گذارد. در قصه حضرت نوح (ع)، آیه ۴۰ سوره هود می‌خوانیم:

«تا آن‌گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن کشتی از هر حیوانی یک جفت با کسانت - مگر کسی که قبلاً درباره او سخن رفته است - و کسانی که ایمان آورده‌اند حمل کن. و با او جز عده اندکی ایمان نیاورده بوند».

این همان زمانی است که به حضرت نوح (ع) دستور داده می‌شود از هر حیوانی یک جفت انتخاب و همراه با کسانی که ایمان آورده‌اند بر کشتی سوار کند. این آیه بی تردید تابلویی بزرگ و روشن، شامل مؤمنان معدود و حیوانات مختلف را بر دیوار ذهن مخاطب نصب می‌کند.

نیز در آیات ۴۲ و ۴۳ از همین سوره است که بر روی موج بودن کشتی و غرق شدن پسر حضرت نوح (ع) به تصویر کشیده می‌شود.

«و آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد



تصویر ۶- حضرت نوح (ع) در کشتی و فرزند ناخلفش، قصص الانبیاء مأخذ: Stories of the Prophets

از گنجینه‌هایی که چنین کلیدهایی داشته‌اند دیدنی و جالب خواهد بود. در واقع با استفاده از کلماتی محدود اما بسیار اثرگذار تصویری شگفت‌انگیز از وضعیت گنج‌ها در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد.

در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نمل که در باره حضرت سلیمان (ع) است نیز عبور سپاهیان سلیمان از وادی مورچگان، بسیار تصویری بیان شده است.

«و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و برای رژه دسته‌دسته گردیدند. تا آن‌گاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای به زبان خویش گفت: ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبادا سلیمان و سپاهیان - ندیده و ندانسته - شما را پایمال کنند».

آیه ۱۷ با وجود کوتاهی توصیف، تصاویر گسترده و شگفت‌انگیزی را عرضه کرده است. در ادامه در آیه ۱۸ نیز تصویر بعدی حرکت سپاهیان حضرت سلیمان (ع) است که به وادی مورچگان می‌رسند.

یکی دیگر از قصه‌های قرآن کریم، قصه صاحب دو باغ است که آیات ۳۲ تا ۴۴ سوره کهف آن را روایت می‌کنند.

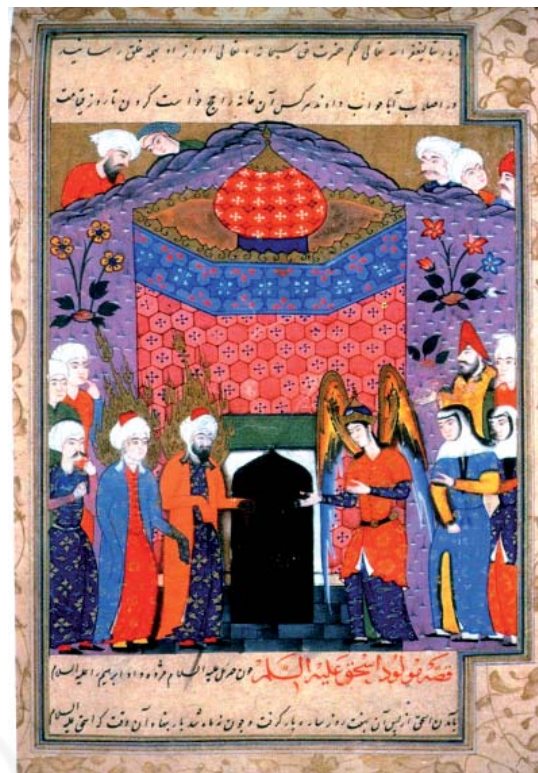
«و برای آنان دو مرد را مثل بزن که به یکی از آن‌ها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشانیدیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم».

در این آیه، باغ‌ها و فضای اطرافش به تصویر کشیده شده به صورتی که طراحی و رنگ‌آمیزی دقیق آن‌ها در ذهن مخاطب، محسوس و مشهود می‌شود.

«تا به او رسید آن‌چه باید به او برسد و آفت آسمانی



تصویر ۹- حضرت یوسف (ع) در مجلس زلیخا، قصص الانبیاء، مآخذ: Stories of the Prophets



تصویر ۸- قصه مولود حضرت اسحاق (ع)، قصص الانبیاء، مآخذ: Stories of the Prophets



تصویر ۱۱- حضرت خضر (ع) و الیاس (ع)، قصص الانبیاء، مآخذ: Stories of the Prophets



تصویر ۱۰- دیدار حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع)، قصص الانبیاء، مآخذ: Stories of the Prophets



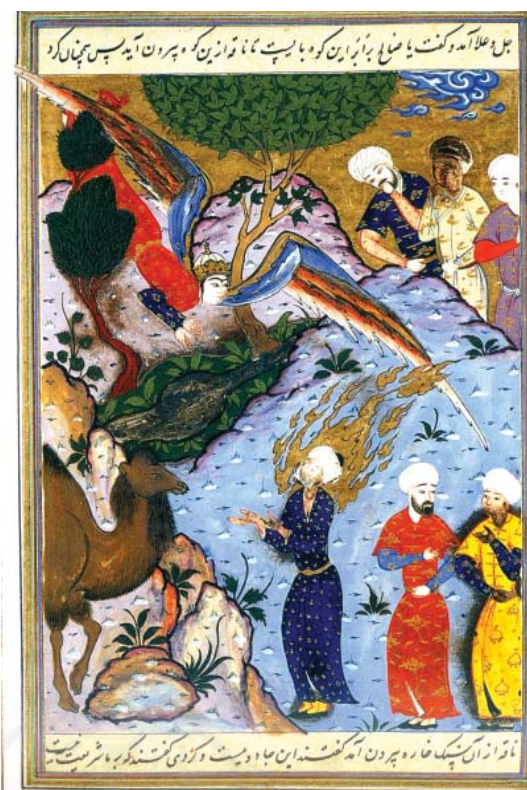
تصویر ۱۳- حضرت ایوب (ع) در چشمه، قصص الانبیاء، مأخذ:
Stories of the Prophets

«و پادشاه مصر گفت: من در خواب دیدم هفت گاو فربه است که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده دیگر. ای سران قوم، اگر خواب تعبیر می‌کنید، درباره خواب من نظر دهید.

ای یوسف، ای مرد راستگویی، درباره این خواب که هفت گاو فربه، هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده دیگر، به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم، شاید آنان تعبیرش را بدانند».

همچنین در آیه ۳۱ وصف روایی محفل زنان مصر که در حضور یوسف جوان دست‌های‌شان را می‌برند به‌گونه‌ای است که ضمن خواندن یا شنیدن این آیه علاوه بر مصور شدن ماجرا، چهره‌پردازی‌های مختلفی نیز در ذهن متبلور می‌شود. از یک سو چهره زیبای حضرت یوسف که تاکنون مطرح نشده و به وصف زنان مصر، او فرشته‌ای است نه بشر، و از سوی دیگر بهت و حیرت زنان مصر و از طرف دیگر چهره حق به‌جانب همسر عزیز از نتیجه این اتفاق و در واقع اثبات بی‌گناهی اش به زنان مصر که پشت سر او حرف‌ها زده بودند.

«پس چون همسر عزیز از مکرشان اطلاع یافت، نزد آنان کسی فرستاد، و محفلی برایشان آماده ساخت، و به هر یک از آنان میوه و کاردی داد و به یوسف گفت: بر آنان در آی.



تصویر ۱۲- حضرت صالح (ع) و معجزه او، قصص الانبیاء،
مأخذ: Stories of the Prophets

و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ در داد: ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش. گفت: به‌زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد. گفت: امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاه‌دارنده‌ای نیست مگر کسی که خدا بر او رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و پسر از غرق شدگان گردید».

در سه بخش از قصه حضرت یوسف (ع) سه خواب تعریف می‌شود که هر یک تابلویی از تصاویر دیدنی را به نمایش می‌گذارد. ابتدا در آیه ۴ سوره یوسف:

« یاد کن زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم آن‌ها برای من سجده می‌کنند».

در این آیه سجده یازده ستاره و خورشید و ماه بر یوسف نقل توصیفی می‌شود سپس در آیه ۳۶، خواب‌های دو زندانی وصف می‌شود که به طور عجیبی تصاویری را بر ذهن مخاطب ترسیم می‌نماید.

«و دو جوان با او به زندان درآمدند. روزی یکی از آن دو گفت: من خویشتن را به خواب دیدم که انگور برای شراب می‌فشارم. و دیگری گفت: من خود را به خواب دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم».

در آیات ۴۳ و ۴۶ از همین سوره، خواب پادشاه به‌تصویر کشیده می‌شود.



تصویر ۱۴- معجزه حضرت موسی (ع)، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets

شگفتی آور است. در آیه ۶۰ سوره بقره:
«و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد،
گفتیم: با عصایت بر آن تخته سنگ بزن. پس دوازده چشمه از
آن جوشیدن گرفت به گونه‌ای که هر قبیله‌ای آبشخور خود

پس چون زنان او را دیدند، وی را بس شگرف یافتند و از
شدت هیجان دست‌های خود را بریدند و گفتند: منزه است
خدا، این بشر نیست این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.»
قصه حضرت موسی (ع) نیز مشحون از تصاویر زیبا و

را می‌دانست. و گفتیم: از روزی خدا بخورید و بیاشامید، ولی در زمین سر به فساد بر مدارید».

و آیه ۱۶۰ از سوره اعراف:

«و آنان را به دوازده عشیره که هر یک امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی - وقتی قومش از او آب خواستند - وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن. پس از آن دوازده چشمه جوشید، هر گروهی آبشخور خود را بشناخت و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم و گرانگین و بلدرچین برایشان فرو فرستادیم. از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کرده‌ایم بخورید. و بر ما ستم نکردند، لیکن بر خودشان ستم می‌کردند».

جوشیدن غریب چشمه‌ها از سنگ اگر چه یک تصویر غریب را خلق می‌کند ولی به نظر می‌رسد که همین الگوی روایت‌گری قادرست به تعداد مخاطبین این آیات، تصاویر متنوعی را در اذهان شکل دهد. با خواندن آیات ۱۰۷ سوره اعراف یا ۲۰ طه و ۳۲ شعراء که وصف تبدیل یک عصای ساده به اژدهاست نیز بی‌تردید، تصاویر رنگارنگ و جاودانی به اذهان مخاطبان راه می‌یابد.

«پس موسی عصایش را افکند و به‌ناگاه اژدهایی آشکار شد». «پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به‌سرعت می‌خزید». «پس عصای خود بیفکند و به‌ناگاه آن اژدری نمایان شد».

در آیه ۲۹ سوره قصص:

«و چون موسی آن مدت را به‌پایان رسانید و همسرش را همراه برد، آتشی را از دور در کنار طور مشاهده کرد. به خانواده خود گفت: اینجا بمانید که من از دور آتشی دیدم. شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برای تان بیاورم باشد که خود را گرم کنید». و نیز آیه ۱۰ سوره طه:

«هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده خود گفت، درنگ کنید، زیرا من آتشی دیدم، امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم. یا در پرتو آتش راه خود را باز یابم».

نتیجه

با حضرت موسی (ع) و خانواده‌اش همسفریم که از دور آتشی را می‌بینند و تصاویر جالبی از آن آتش مقدس، در ذهن مان شکل می‌گیرد.

در آیات ۵۹ تا ۷۱ سوره طه و نیز ۴۴ تا ۴۶ سوره شعراء ماجرای رقابت حضرت موسی (ع) با ساحران که از مهم‌ترین صحنه‌های قصه حضرت موسی (ع) است، به‌تصویر کشیده می‌شود. در آیه ۳۹ سوره طه، دوران کودکی حضرت موسی (ع) تصویر شده که گذاشتن او در صندوقچه و رها کردنش در دریا اصلی‌ترین رویداد است. «او را در صندوقچه‌ای بگذار، سپس در دریایش افکن تا دریا (رود نیل) او را به کرانه اندازد و دشمن من و دشمن وی او را برگیرد. و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی».

در آیه ۲۳ سوره قصص، آبدادن به گوسفندان مردم مدین به نمایش گذاشته می‌شود.

«و چون به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر آن یافت که دام‌های خود را آب می‌دادند موسی گفت: منظورتان از این کار چیست؟ گفتند: ما به گوسفندان خود آب نمی‌دهیم تا شبانان همگی گوسفندانشان را برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است».

در آیاتی چون ۱۰۸ از سوره اعراف، ۳۳ از سوره شعراء یا ۲۴ تا ۲۶ از سوره دخان، عبور از نیل و بر جای گذاشتن کشتزارها و باغ‌ها به‌تصویر درآمده و همگی چنان به دقت ترسیم شده‌اند که مخاطب نه تنها تصاویر، که حرکت و در برخی جاها حتی صداها را نیز حس می‌کند. بیرون آوردن دست حضرت موسی (ع) و سپید و نورانی بودن آن در این آیات آن قدر جزئی رسم و توصیف می‌شود که از قصه به سینما سیر می‌کنیم. «و دست خود را از گریبان بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید و درخشنده بود». «و دستش را بیرون کشید و به‌ناگاه آن برای تماشاگران سپید می‌نمود».

اگر چه در بیان هر قصه‌ای به طور عام تصاویری نهفته و این شاید یکی از ویژگی‌های هنر قصه‌نویسی است اما همان‌طور که اشاره شد و در آیات نمونه ذکر گردید خداوند متعال با وجود ایجاز در بیان این قصه‌ها و با کم‌ترین توصیفات و کلمات، این تصاویر را خلق کرده و نکته قابل توجه همین است. برخی از قصه‌های قرآن کریم، در روایت‌های متنوعی بیان شده‌اند که در هریک از آن‌ها، از زاویه‌ای خاص به درون مایه نگریسته شده و به تصویر در آمده‌اند. در واقع، قرآن کریم در بیان قصه‌هایش بیش از تعریف، به تصویر علاقه نشان داده است، ویژگی مهمی که باعث ماندگارتر شدن قصه در ذهن مخاطب می‌شود. خلأ موجود در ارائه قصه‌ها و نیز روایت شکنی قصه‌ها که از دیگر ویژگی‌های الگوی روایت‌گری قصه‌های قرآن است نیز فرصتی است



برای این که مخاطب، تصویرهای ذهنی خود را مرتب و تکمیل نماید و همواره در تکاپو با رویدادها و قصه باشد.

هر چند که قرآن، کتاب قصه و قصه‌گویی نیست و نیازی به توصیف بیش از حد، فضاسازی یا ایجاد تصاویر فوق‌العاده ندارد ولی با این وجود و با همین توصیفات محدود توانسته تصویرسازی بی‌نظیری را همزمان با بیان قصه به نمایش بگذارد که البته این ویژگی نیز به حیانی بودن کلام و مبدأ آن باز می‌گردد. مخاطب به محض همراه شدن با قصه و با آگاهی از این موضوع که تمامی شخصیت‌ها و رویدادها روزی واقع شده و بیرون از دنیای خیال و تصورند تصاویری از آن‌ها را در ذهن خویش شکل می‌دهد که به افزایش وضوح و جزئیات قصه کمک می‌نماید.

منابع و مآخذ

- ابن منظور، ابی‌الفضل محمدبن مکرم، تاج‌العروس، جلد هجدهم، دارصادر، بیروت، ۱۳۹۹.
- ابن منظور، ابی‌الفضل محمدبن مکرم، لسان العرب، جلد هفتم، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۸.
- اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، دستان، تهران، ۱۳۸۲.
- انصاف‌پور، غلامرضا، کامل فرهنگ فارسی، چاپ سوم، زوار، تهران، ۱۳۷۷.
- براهنی، رضا، قصه‌نویسی، چاپ سوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۲.
- بستانی، محمود، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، ترجمه محمدحسین جعفرزاده، جلد اول، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.
- پروینی، خلیل، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، فرهنگ گستر، تهران، ۱۳۷۹.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، مروارید، تهران، ۱۳۷۱.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول (ویرایش جدید)، مروارید، تهران، ۱۳۸۲.
- ریمون‌کنان، شلومیت، روایت داستانی: بوطیقا معاصر، ترجمه ابوالفضل حرّی، چاپ اول، نیلوفر، تهران، ۱۳۸۷.
- سید قطب، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۵۹.
- سید قطب، نمایش هنر در قرآن، ترجمه محمدعلی عابدی، نشر انقلاب، تهران، ۱۳۵۹.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، جلد نه، الدائرہ العامه للمراکز و العلاقات الثقافیه، تهران، ۱۳۷۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
- ملبویی، محمدتقی، تحلیلی نو از قصص قرآن کریم، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- یونسی، ابراهیم، هنر داستان‌نویسی، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.
- Milstein, Ruchel&..., Stories of the Prophets, Ellustrated Manuscripts of **Qisas Al anbia**, Mazda Publishers, California, 1999.
- باتشکر از آقای دکتر علی اصغر شیرازی که تصاویر کتاب قصص الانبیاء را در اختیار قرار دادند.



تصویر ۷- ذبح اسماعیل (ع) ،
قصص الانبیاء مأخذ:
Stories of the Prophets